

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

الحاج داکتر امین الدین « سعیدی- سعید افغانی »
۰۱ نومبر ۲۰۱۶

تفسیر احمد- ۲۶

ترجمه و تفسیر سوره الفیل- ۲

روز موعود حمله بر کعبه:

بعد از این که روز موعود حمله بر کعبه فرا می رسد ، لشکر ابرهه در وادی محسر در میان منی و مزدلفه فیل حربی ابرهه به نام محمود (ماموت) که در پیشا پیش سربازان در حرکت بود ناگهان از حرکت ایستاد و از رفتن به سوی کعبه امتناع ورزید، با جوپ زدند و با سیخ های تیز خلاندند، ولی (ماموت) از پیشروی به سوی کعبه خود داری می کرد، ولی اگر روی فیل را به سمت دیگری می گردانیدند چست و چالاک به راه می افتاد ولی از رفتن به سوی مکه امتناع می کرد .

اولین نشانه شکست نیروی های ابرهه در همان ساعات اول حمله ظاهر شد.

رسیدن ابابیل ها :

مفسرین می نویسند که نیرو های حربی ابرهه تا هنوز مصروف در مهار کردن فیل بودند که ناگهان ابابیل ها از سوی بحر بر وادی محسر سرا زیر شدند، هر یکی از این ابابیل ها در منقار و چنگال های خویش سنگ ریزه های حمل می کردند و بر سپاه ابرهه فرمی ریختند، بر هر یکی اصابت می کرد به شدت مجروح می شد، و از جراحت ها خون و ریم بیرون آمده، گوشت آن گندیده و فرومی ریخت .

تعدادی مجروح، تعدادی به قتل رسیدند و تعدادی هم فرار را بر قرار ترجیح دادند.

خود ابرهه نیز از این عذاب وحشتناک و خشم الهی در امان نماند و یکی از سنگ ریزه ها به سرش اصابت کرد، و چون وضع را چنان دید به افراد اندکی که سالم مانده بودند، دستور داد او را به سوی یمن باز گردانند و پس از تلاش و رنج بسیاری که به یمن رسید، گوشت تنش بریخت و از شدت ضعف و بیحالی در نهایت بدبختی وفات نمود. عبدالمطلب که آن منظره عجیب را می نگرست و دانست که خدای تعالی به منظور حفظ خانه کعبه، آن پرندگان را فرستاده و نابودی ابرهه و سپاهیانش فرا رسیده است، فریاد برآورد و مژده نابودی دشمنان کعبه را به مردم داد و به آنها گفت: به شهر و دیار خود باز گردید و غنیمت و اموالی که از اینان به جای مانده برگزید و مردم با خوشحالی و شوق به شهر باز گشتند. و گویند: در آنروز غنائم بسیاری نصیب اهل مکه شد و قبیله خثعم که از قبائل دیگر در

چپاول‌گری حریص‌تر بودند بیش‌از دیگران غنیمت بردند، و زر و سیم و اسب و شتر فراوانی به چنگ آوردند. عده ای از مؤرخان می‌نویسند که: در صفوف لشکریان ابرهه مرض چیچک شیوع یافت و باعث هلاکت تعداد زیادی از سربازان گردید.

عده ای دیگری می‌گویند که پرندگان مذکور در اصل پرندگان گوشت خوار بودند که بعد از تار و مار شدن لشکر و کشته شدن تعداد بیشمار آنان بر اجساد مرده سربازان حمله ور شده اند. می‌گویند که پرندگان بر آنان سنگریزه ها فرونه ریخته اند ، بلکه رزمندگان قریش از هر سوی بر قطعات مختلف این سپاه ، ذریعه فلاخن های سنگ باران کرده اند، حملات آنان از یک سو، اختلافات داخلی لشکر از سوی دیگر ، شیوع مریضی از جانب دیگر باعث شده است تا ترس و رعبی لشکر را فرا گیرد، به استقامت های مختلفی به طور نامنظم و در گروه های پراکنده عقب نشینی کنند، مورد حملات پیهم قرار بگیرند و جز عده محدودی همه لشکر نابود شود.

تفسیر سوره :

«أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ» «آیا ندیدی پروردگارت با فیل سواران (لشکر ابرهه که برای نابودی کعبه آمده بودند) چه کرد؟!» این معجزه‌ای مشهود و محسوس، جهت تنبیه و عبرت‌گیری است؛ تا مردم به طاعت و عبادت خدا روی آورند.

«أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ» آیا بی‌حاصلی و نابود نساخت چال‌شان؟ مگر کید و مکر آنان را بی‌حاصل نساخت و نتایجی به ضرر خود‌شان تحویل نداد؟ مگر ندیدی که پروردگار با عظمت نگذاشت تیر ابرهه به هدف اصابت کند ، به عکس سنگی که برداشته بودند که کعبه را ویران و منهدم کند، این سنگ بر پای خود‌شان اصابت کرد، آنان طوری سنجیده بودند که از اعتبار کعبه بکاهند، آن را ویران کنند و با زمین یکسان نمایند، برای همین منظور لشکر بزرگ و مجهزی فراهم آورد، بهانه ای برای لشکر کشی ساز ماندهی کردند، احساسات سربازان خویش را تحت بهانه های دینی به حمله عاجل بر کعبه تحریک کردند، دیدیکه خداوند خیر الماکرین دسیسه او را خنثی و سپاه مجهزش را یک سره نابود کرد، او و حامیان رومی آنان را خاسر و نامراد ساخت ؟

شکست و نابودی لشکر مجهز ابرهه اعتبار و مقام بزرگ کعبه را نه تنها متضرر نساخت ، بلکه به همه ثابت کرد که صاحب این خانه مقدس و معبد یکتا پرستان، خداست، در برابر هر هجومی از آن دفاع خواهد کرد.

«وَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ» «و بر سر آنها پرندگانی را گروه گروه فرستاد.»

«ابابیل» نام پرنده خاص نیست و « طیراً أبابیل» یعنی: پرندگانی فوج فوج در دسته‌های پراکنده، بر سر آنها فرود آمدند. پس کلمه "طیراً" به معنای جنس پرندگان است، نه به معنای مفرد پرنده.

و در ماده «ابیل» و ابابیل مفسرین تفاسیر مختلفی را ارائه نموده اند ، وهریک از مفسرین در مور شکل والوان این پرندگان تفاسیر مختلفی به عمل آورده اند:

مفسران در تفسیر پرنده‌های ابابیل گفته‌اند: آنها پرندگانی بودند که از بحر بیرون آمده و سربازان ابرهه را با سنگهایی که در منقار داشتند بزدند و آنها نابود شدند...

ابن زید گفته: که آنها پرندگانی بودند که از بحر آمدند و در رنگ آنها اختلاف کرده‌اند، برخی گفته‌اند سفید بودند، و برخی گویند: سیاه بوده و قول دیگر آن که سبز بودند و منقارهایی همچون منقار پرندگان و دستهایی همچون دست‌سگان داشتند و برخی گفته‌اند: سرهاشان همچون سران درندگان بوده...».

«تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِّن سِجِّيلٍ» «که با سنگهای کوچکی آنها را هدف قرار می‌دادند.»

« سجیل » در لغت آمیخته‌ای از سنگ و گل را گفته‌اند؛ فلذا اصل آن فارسی بوده که معرب (تبدیل به عربی) شده است. (مفردات راغب، ص ۳۹۸).

کلمه «سجیل» در قرآن عظیم الشان سه بار مورد استعمال قرار گرفته است، دو بار با تعبیر «وَأَمْطَرْنَا» (بر آن‌ها بارانندیم) در آیت ۱۸۲ سوره هود و آیت ۴۵ سوره حجر آمده است و يك بار هم با تعبیر «تَرْمِيهِمْ» (پرتاب کردیم) در سوره فیل.

و در رابطه با سنگهائی که بر سر اصحاب فیل بارید، دو مطلب بی نهایت قابل دقت است:
اول: آن سنگها که به هریکی از سربازان ابرهه اصابت می‌کرد، بدن آنان را سوراخ نموده و آنان را به قتل می‌رساند.

دوم: با باریدن آن سنگها میان لشکر ابرهه مرض حصیه و آبله پیدا شد، که عده‌ای به حالت مرض به زمین افتادند و برخی مردند. این حوادث موجب فرار سربازان شده و نتوانستند در آنجا بمانند. (قرشی، سید علی اکبر؛ تفسیر احسن الحدیث، تهران، چاپ سوم، جلد ۱۲، صفحه ۳۶۰).

برخی از دانشمندان معاصر عقیده دارند که این پرندگان عبارت بودند از میکروبهای که حامل طاعون بودند و یا پشه‌مالاریا بودند و یا میکروب آبله بوده‌اند و در آیت شریفه هم‌کلامی که منافات با این نظریه و معنی باشد وجود ندارد و بدین ترتیب منقول با معقول با هم متحد و موافق خواهد شد...

علماء و مفسرین معاصر می‌افزایند: «و ما هم این نظریه را پسندیده و تأیید می‌کنیم، به خصوص که هیچ مانعی نه لغوی و نه علمی برای رد این نظریه وجود ندارد که مانع تفسیر پرنده به میکروب گردد و بسیار اتفاق افتاده که طاعون در لشکرها سرایت کرده و آنها را به هزیمت و نابودی کشانده.» («اعلام قرآن»)

همچنان مفسرین در باره «سجیل» گفته‌اند: گل متحجر بوده و قول دیگر آن که گل بوده و قول سوم آن که: سجیل، همان «سنگ و گل» است و قول دیگر آن که سنگی بوده که چون به سوار می‌خورد بدنش را سوراخ کرده و هلاکش می‌کرد و عکرمه گفته: پرندگان سنگهائی را که همراه داشتند می‌زدند و چون به یکی از آنها اصابت می‌کرد بدنش آبله در می‌آورد و عمرو بن حارث بن یعقوب از پدرش روایت کرده که پرندگان مزبور سنگها را به دهان خود گرفته بودند و چون می‌انداختند پوست بدن در اثر اصابت آن تاول می‌زد و آبله در می‌آورد.

تأثیر سنگریزه‌ها از طرق طبیعی یا قدرت الهی:

با نگاهی گذرا به سوره فیل و داستان تاریخی آن در می‌یابیم که هلاکت اصحاب فیل از طرق عادی و طبیعی نبوده بلکه قدرت مافوق قدرت طبیعت در آن دخالت داشته است چرا که:

الف. برخاستن پرندگان کوچک و همراه آوردن سنگریزه‌ها و هدف قراردادن افرادی خاص و متلاشی کردن لشکر عظیم و... نشان از آن دارد که کسی آن‌ها را هدایت کرده است و خود به تنهایی و از طرق عادی قادر به چنین کاری نبودند.

ب. این ماجرا نشان می‌دهد که معجزات و خوارق عادات، لزومی ندارد که به دست پیامبر ظاهر شود بلکه در هر شرائطی که خدا بخواهد و لازم بداند، انجام می‌گیرد. (تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، جلد ۲۷، صفحه ۳۴۳).

ج. نقل داستان اصحاب فیل از طریق وحی الهی و بیان این نکته که هلاکت اصحاب فیل معجزه بوده، دلیل دیگری بر مدعای ماست.

د. بعد از آن که سوره فیل نازل شد به علت مشهور بودن آن و مشهود بودن معجزه الهی در هلاکت آن‌ها، قریش هیچ گونه اعتراضی در مورد نزول این سوره نکرده‌اند.

اما این که آیا سنگریزه‌ها می‌تواند غیر از سنگ‌های معمولی و دارای مواد هسته‌ای باشد، باید گفت: اولاً: خداوند دارای قدرت بی‌منتهاست و قادر است از یک سنگریزه یا گل معمولی، شخصی یا گروهی را به هلاکت برساند. «وكان الله علي كل شي قدير.» (سوره نساء ۱۳۳)

ثانیاً: همچنین خداوند قادر است پرندگان را به مکانی بفرستد تا سنگریزه‌هایی بردارند که قدرت اتمی داشته باشد که اگر آزاد شود، انفجار عظیمی تولید کند.

و طوری که یاد آور شدیم برخی از مفسرین احتمال داده‌اند که آن پرندگان، امراض آبله و حصبه را شیوع دادند و اصحاب فیل کشته شدند. (تفسیر جزء عم، شیخ محمد عبده، دار و مکتبه الهلال، بیروت، ۱۹۸۵، جلد ۱، صفحه ۱۶۰). ولی اینها در حد یک احتمال است و هلاکت اصحاب فیل نشان از معجزه الهی می‌باشد.

طوری که در فوق ملاحظه فرمودید اصحاب فیل با تمام شوکت و قدرت آمده بودند تا کعبه را ویران سازند، و خداوند با لشکری به ظاهر بسیار کوچک و ناچیز، آنها را درهم کوبید؛ پس فیلها را با پرنده‌های کوچک، و سلاحهای پیشرفته آن روز را با سنگریزه از کار انداخت، تا ضعف و ناتوانی این انسان مغرور و خیره‌سز را در برابر قدرت الهی ظاهر و آشکار سازد.

در ادامه، آنها را به زراعت و برگی که دانه‌اش خورده شده و گاه آن باقی مانده، تشبیه نموده است:

«فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَأْكُولٍ» «در نتیجه آنها را همچون گاه خردشده قرار داد.»

منظور این است که اصحاب فیل بعد از هدف‌گیری مرغان ابابیل یا به صورت جسد‌های بی‌روح در آمدند، و یا سنگ ریزه‌ها، با شدت حرارتی که داشتند، اندرونشان را سوزانید. (تفسیرالمیزان، جلد ۲۰، صفحه ۳۶۲). پروردگار با عظمت ما بعد از بیان و شرح نابودی و شکست اصحاب فیل و سربازان «ابرهه»، در اولین آیت سوره قریش که در واقع تکمله‌ای برای سوره فیل است، می‌فرماید: «لِيَلْفِ قُرَيْشٍ اِيْلَافِهِمْ رِحْلَةَ الشَّتَاءِ وَ الصَّيْفِ ۚ فَاَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ ۗ الَّذِي اَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَ اَمَنَّهُمْ مِنْ خَوْفٍ ۙ 4»

(۱) اصحاب فیل را نابود کرد (برای الفت دادن و مأنوس کردن قریش) به یک دیگر و به مردم و سرزمین مکه، تا ظهور پیامبر خاتم را دریابند و به او بگروند)

(۲) الفت دادنشان در سفر و کوچ‌های زمستانی (به سوی یمن) و سفر و کوچ تابستانی (به سوی شام).

(۳) پس باید پروردگار این خانه (کعبه معظمه) را بپرسند.

(۴) آن خدائی که آنها را در گرسنگی طعام داد و از ترس ایمنی بخشید.

در سوره قریش با تمام صراحت بیان می‌گردد که: ما لشکر فیل را نابود کردیم، و آنها را همچون گاه کوبیده شده متلاشی ساختیم تا قریش با این سرزمین مقدس الفت گرفته و مقدمات ظهور پیامبر اسلام فراهم گردد. منظور از «الفت» که به معنی اجتماع توأم با انس، انسجام و التیام بوده، ایجاد الفت میان قریش و سرزمین مقدس مکه و خانه کعبه است؛ و منظور از «رحلت قریش» مسافرت آنان از مکه به بیرون برای تجارت است. با این بیان معلوم شد که خداوند به قریش این عزت و احترام را ارزانی داشت تا با مسافرت‌های زمستانی و تابستانی مأنوس شده و امر معاش آنها بگذرد؛ چرا که قریش و تمام اهل مکه به خاطر مرکزیت و امنیت این سرزمین در آنجا سکونت گزینند و بسیاری از مردم حجاز هر سال به آنجا آمده و مراسم حج به جای می‌آوردند و با مبادلات اقتصادی و ادبی و... از برکات مختلف این سرزمین استفاده می‌نمودند.

عام الفیل سال تولد پیامبر اسلام :

مطابق روایات اسلامی مؤرخین می نویسند که پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم روز دوشنبه به دنیا آمده است. همچنین اکثر آنان، تولد پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم را در دوازدهم ربیع الاول تاریخ دقیق به حساب می آورند (صحیح السیرة النبوی، ابراهیم العلی، صفحه ۴۱).

همچنین مؤرخین در این مورد اجماع دارند که پیامبر صلی الله علیه وسلم در «عام الفیل» به دنیا آمده است. مادرش به هنگام تولد او در خانه ابوطالب در شعب بنی هاشم زندگی می گرد «السیرة النبویة، ابن کثیر، جلد ۱، صفحه ۴۷». در روایت از ابن عباس منقول است که: پیامبر صلی الله علیه وسلم در عام الفیل تولد یافت. ابی حویرث گوید شنیدم که عبد الملك مروان به قباث بن اشم گفت:

«ای قباث تو بزرگتری یا پیامبر صلی الله علیه وسلم؟» قباث گفت: «پیامبر خدا از من بزرگتر بود و من از او سالمندترم، پیامبر صلی الله علیه وسلم به سال فیل تولد یافت.»

مخرمه گوید: «من و پیامبر صلی الله علیه وسلم هر دو به عام الفیل تولد یافتیم.» از ابن اسحاق روایت کرده‌اند که پیامبر صلی الله علیه وسلم در عام الفیل به روز دوشنبه دوازدهم ربیع الاول تولد یافت.

(تاریخ الطبری/ترجمه، جلد ۲، صفحه ۷۰۷) «و کان مولد رسول الله فی عام الفیل، بینه و بین الفیل خمسون لیلة، و میلاد رسول خدا صلی الله علیه وسلم در عام الفیل واقع شد و میان آن و واقعه فیل پنجاه شب فاصله بود.» (تاریخ الیعقوبی، جلد ۲، صفحه ۷)

قال أبو إسحاق: إبراهيم بن المنذر: هذا وهم، و الذي لا يشك فيه أحد من علمائنا: أن رسول الله، صلی الله علیه وسلم، ولد عام الفیل، و بعث علی رأس أربعین سنة من الفیل. (دلایل النبوة، جلد اول صفحه ۷۹).

محمد بن عمر از هشام بن سعد، از زید بن اسلم، از عبد الله بن علقمة بن فغواء، و اسحاق بن یحیی بن طلحه از عیسی بن طلحه، از ابن عباس، و موسی بن عبیده، از محمد بن کعب، و محمد بن صالح از عمران بن مناح و قیس بن ربیع از ابن اسحاق، از سعید بن جبیر، و عبد الله بن عامر اسلمی از دختران ابو تجرأة، و حکیم بن محمد از پدرش، از قیس بن مخرمة همگی متفقاً برای من نقل کردند که پیامبر صلی الله علیه وسلم در عام الفیل متولد شده است. یحیی بن معین از حجاج بن محمد، از یونس بن ابی اسحاق، از سعید بن جبیر، از ابن عباس نقل می‌کرد که می‌گفت پیامبر در عام الفیل متولد شده است. (الطبقات الکبری / ترجمه، جلد ۱، صفحه ۹۲)

قیل إنه ولد في شعب بنی هاشم، و لا خلاف أنه ولد عام الفیل؛ قیل. إنه ولد أول اثنين من ربیع الأول، و قیل: لا اثنی عشرة لیلة خلت منه عام الفیل، إذ ساقه الحبشة إلى مكة في حبشهم بغزون البيت، فردهم الله عنه، و أرسل عليهم طیرا أبابیل. (الاستیعاب، جلد ۱، صفحه ۳۰)

و قد روی عن أبي جعفر محمد بن علي بن حسين عليهم السلام: أن قدوم الفیل للنصف من المحرم، و بین الفیل و بین مولد رسول الله صلی الله علیه وسلم خمس و خمسون لیلة.

(از امام باقر علیه السلام روایت شده که آمدن اصحاب فیل در نیمه محرم بود و بین ولادت پیامبر صلی الله علیه وسلم با جریان اصحاب فیل پنجاه و پنج شب فاصله بوده است.) (البدایة و النهایة، جلد ۲، صفحه ۲۶۲) (تفصیل موضوع را می توان در: تاریخ طبری ترجمه، جلد ۲، صفحه ۷۰۷ تاریخ الیعقوبی، جلد ۲، صفحه ۷: دلایل النبوة، جلد ۱، صفحه ۷۹: الطبقات الکبری/ترجمه، جلد ۱، صفحه ۹۲: البدایة و النهایة، جلد ۲، صفحه ۲۶۲: مطالعه نمود.)

ادامه دارد